

نشریه علمی- پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، سال چهارم، شماره هفتم، پاییز- زمستان ۹۲، صفحات ۲۰۵-۲۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۱۷

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۸/۱۸

بررسی حکم تکلیفی شبیه‌سازی انسان

محمدصادق طباطبایی^۱

مریم میراحمدی^۲

چکیده

شبیه‌سازی انسانی از جمله موضوعاتی است که به لحاظ ارتباط با اصلی‌ترین مسائل انسانی در ساحت‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی، در حوزه‌های گوناگون کلامی، حقوقی، اخلاقی و از جمله حوزه فقه به چالش جدی کشیده شده و فروع مختلفی را فرا روی فقیه عصر حاضر نهاده است. عالمان اهل سنت به اتفاق، شبیه‌سازی انسانی را محکوم می‌کنند و آن را عملی نادرست و نامشروع می‌دانند. عالمان شیعه اما درباره شبیه‌سازی انسانی نظرات متفاوتی دارند. دیدگاه آنان در قالب چهار فتوا ارائه شده است که عبارت‌اند از: جواز مطلق، جواز محدود، حرمت اولی و حرمت ثانوی. در این نوشتار نخست درباره شبیه‌سازی انسانی از نظر علمی به اجمال سخن می‌رود و سپس حکم تکلیفی آن از دیدگاه فقهای شیعه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: شبیه‌سازی، شبیه‌سازی انسانی، حکم تکلیفی، حرمت اولی، حرمت ثانوی.

tabatabaei@ase.ui.ac.ir
ma196842@yahoo.com

۱- استادیار دانشگاه اصفهان
۲- دانشجوی دکتری- دانشگاه آزاد اسلامی- واحد علوم و تحقیقات اصفهان

مقدمه

در عصری زندگی می‌کنیم که انسان، به مدد دانش روزافزون خود، هر روز افق‌های تازه‌ای را به روی خود می‌گشاید و به برکت نیروی ابداع و ابتکاری که خداوند در نهاد او به ودیعه نهاده است، به قلعه‌ها و عرصه‌های جدید و شگفت علم دست می‌یازد. گاه دستاوردهای او چنان تحول‌ساز است و دیگر عرصه‌ها و دستاوردهای مادی و معنوی را دگرگون می‌سازد که خود انسان از خیر و شر و فساد و صلاح کارش در حیرت و تردید فرو می‌رود. قرن ۲۱ را قرن زیست‌شناسی نامیده‌اند، زیرا تکامل علم و تکنیک محصول مشترکی را به نام مهندسی ژنتیک به وجود آورده است که مبنای بسیاری از تغییرات در حیات فکری و عملی بشر خواهد بود (مصباح، ۱۳۸۵، ص ۴۴، ش ۴۷). شبیه‌سازی به‌ویژه شبیه‌سازی انسانی چهره ویژه‌ای از همان مهندسی ژنتیک می‌باشد، و هرچند علمی نوپا و نوپنیا است، ولی شعاع بحث از آن بسی گسترده و عمیق است. شبیه‌سازی دستاوردی است که می‌تواند در آینده نه چندان دور بر همه ابعاد زندگی انسان و دیگر جانداران تأثیر گذارد. قابل توجه است که دین و فقه هر دو با انسان از آن حیث که موجود عامل و کنشگر است، نسبت و پیوند دارد و در پی تنظیم و هدایت رفتار و کنش اوست؛ منتها دین با ساحت وسیع‌تر از رفتار و کنش و فقه با حوزه محدودتر و شکل خاصی از اعمال انسان ارتباط دارد.

از سوی دیگر، علم به‌ویژه دانش و فن‌آوری جدید نیز معطوف به رفتار انسان‌ها شده است و در پی تبیین و توضیح علل و عوامل و ساز و کارهای شکل‌گیری رفتار و عمل آنان برآمده است. به این ترتیب علم و دین در حوزه رفتار انسان با هم هم‌آورد می‌شوند و طبعاً در این فرایند یکی برای دیگری پرسش‌ها، مسائل و حتی چالش‌هایی ایجاد می‌کند.

اولین بار در سال ۱۸۹۱ میلادی، هانس دریش، توتیای دریایی را در مرحله سلولی جدا کرده و دو فرد شبیه به هم تولید نمود. بعد از آن در سال ۱۹۷۰ این پروژه بر روی موش‌ها صورت گرفت که موفقیت‌آمیز بود و از آن پس تا سال ۱۹۸۰ روی جانداران دیگر نیز به مرحله اجرا در آمد. سپس در جولای ۱۹۹۷ گروهی از دانشمندان اسکاتلندی موفق به شبیه‌سازی نخستین پستاندار زنده شدند. گوسفندی به نام دالی با استفاده از روش انتقال هسته سلولی به دنیا آمد، اما در مورد انسان برای اولین بار مدیر شرکت آمریکائی کلوناید

تولد نخستین انسان شبیه‌سازی شده را اعلام کرد. این نوزاد دختر با استفاده از سلول پوست بدن یک زن آمریکائی ۳۱ ساله به وجود آمد و در دسامبر ۲۰۰۲ با زایمان سزارین متولد شد و نام او را خوا گذاشتند (ولی‌زاده رحمان، ۱۳۸۵، ۱۷۶).

۱- انواع شبیه‌سازی انسانی

۱-۱- شبیه‌سازی رویانی (Embryonic cloning)، در این روش یک سلول را قبل از رسیدن به مرحله تقسیمات جنینی با ایجاد تحریکات ... به دو سلول تقسیم می‌نمایند که هر دو سلول از حیث نقشه ژنتیکی (D.N.A) کاملاً مثل هم هستند. دوقلوها در عالم زیست نتیجه چنین فرایندی‌اند.

۱-۲- شبیه‌سازی درمانی (Therapeutic cloning)، از این روش بیشتر برای درمان امراض لاعلاج استفاده می‌کنند؛ مثلاً وقتی سلول‌های خونی انسانی تولید پادزهر نمی‌کند و یا عضوی ناقص دارد، از طریق نقشه ژنتیکی سلول‌های سالم به تولید عضو سالم و یا سلول‌های خونی‌ای می‌پردازد که سالم است و قدرت تولید پادزهر را دارد.

۱-۳- شبیه‌سازی تولیدی (Reproduction cloning) از این روش در تولید انسان‌ها و حیوانات همانند استفاده می‌شود (مصباح، همان، ۱۱۸) این روش شبیه‌سازی، مورد بحث این نوشتار است.

اگر بخواهیم شبیه‌سازی انسان را به صورت کوتاه و عمومی معرفی کنیم باید بگوییم عبارت از فرایندی است که در آن ژن‌های انسان به وسیله دانشمندان با کمک فناوری‌های جدید این عرصه، مهندسی و برنامه‌نویسی می‌شوند، اما در اصطلاح فنی و علمی شبیه‌سازی انسانی فرایند بس پیچیده‌ای است که سازوکار آن به صورت زیر است: یک سلول بنیادی تخم یا تخمک؛ دو سلول بالغ یک بافت از اعضای بدن انسان؛ سه عملیات و فرایند تخلیه هسته‌ای و جایگزینی در هسته‌ای دیگر. جهت تولید همانند یک موجود انسانی، نخست سلول تخم یا تخمک را از وجود یک خانم می‌گیرند و نقشه ژنتیکی (D.N.A) آن را بیرون می‌آورند. سپس سلول بافتی از بافت‌های بدن فرد دیگر از انسان را مثل سلول استخوان، پوست، مغز، عصب ... را گرفته نقشه ژنتیکی او را نیز تخلیه می‌نمایند و D.N.A او را با

روش‌های شیمی و جریان الکتریسته داخل سلول تخمک که از D.N.A خودش تخلیه گردیده است، می‌سازند. هر سلول از هر بافت و عضو بدن انسان، اطلاعات تمامی بافت‌های بدن را دارد، اما تنها اطلاعات مربوط به بافت همان عضو در آن فعال و آشکار است، نه اطلاعات بافت‌های اعضای دیگر. در مقابل، در سلول تخمک یا سلول جنسی اطلاعات تمامی بافت‌های بدن به صورت فعال و بیدار وجود دارند. بنابراین هنگامی که نقشه ژنتیکی سلولی، از عضوی از بدن تخلیه و در هسته تخلیه شده سلول تخم یا تخمک جایگزین می‌گردد، اطلاعات همه بافت‌ها از تمامی اعضای بدن در آن نیز فعال می‌شود و از تمامی امکانات و اطلاعات سلول تخمک به جز D.N.A استفاده می‌نماید سپس این سلول داخل رحم صاحب سلول تخمک می‌شود و به صورت طبیعی سیر تکاملی خویش را پیموده، موجود انسان تولید می‌شود که از نظر ساختمان، نقشه و اطلاعات ژنتیکی همانند و شبیه کسی است که D.N.A از سلول او گرفته شده است (ر.ک. تی.ای. براون، مقدمه‌ای بر همسان‌سازی ژن‌ها، دکتر پریچره احمدیان، انتشارات دانشگاه تهران).

۱- عدم تنافی شبیه‌سازی انسانی با خالقیت خداوند

بعضی گمان کرده‌اند شبیه‌سازی انسانی یکی از مهم‌ترین اوصاف خداوند یعنی خالقیت او را نشانه رفته و بدان خدشه وارد کرده است. از آنجا که این مسئله با حکم تکلیفی شبیه‌سازی ارتباط مستقیم دارد پیش از ورود به بیان حکم تکلیفی به طرح این شبهه و پاسخ آن می‌پردازیم.

۱-۲- تبیین شبهه

یکی از پیامدهای احتمالی مهندسی ژنتیک، ایجاد تزلزل در اصل تکلیف و یا مکلف بودن انسان است؛ چون پیش‌بنیاد تکلیف عبودیت است و مسیر عبودیت از مخلوقیت می‌گذرد و انسان تا زمانی که حیات و تمام هستی خویش را مجعول و مخلوق دیگری نداند، بعید است که رفتار عابدانه‌ای داشته باشد. انسان زمانی که نیک می‌نگرد، می‌یابد که هر آنچه او دارد و به او رسیده است، در واقع از آن او نیست؛ بلکه از خالق و معطی اوست و دقیقاً در چنین وضعیتی، کشش عبودیت وجود او را به سمت معبود می‌کشاند. نوک پیکان مهندسی



ژنتیک نیز سینۀ مخلوقیت را نشانه گرفته است و در صورت توفیق تمام عیار، خاستگاه مخلوقیت را عوض خواهد کرد و انسان جای خدا را خواهد گرفت و زمانی که انسان خود را مخلوق آفریدگاری به نام (الله) نیابد، طبعاً عابد او نخواهد شد. با نفی عبودیت، دیگر تکلیف موضوعیت پیدا نمی‌کند و انسان خود را در مقابل نیروی ماورای خودش یعنی خداوند متعال مسئول و پاسخ‌گو نمی‌داند. در این صورت نه تنها سیر بسیاری از احکام فقهی در باب عبادات، حقوق مدنی، حقوق کیفری و جزایی بیان نخواهد شد که فراتر از آن فقه هیچ کارکردی نخواهد داشت؛ چون فقه بر محور تکلیف و مسئول بودن انسان در قبال خداوند می‌چرخد و با تزلزل این محور فقه نیز به تزلزل می‌افتد. اینکه مسیر عبودیت از مخلوقیت و خالقیت می‌گذرد و غرض از افعال و رفتار عابدانه نزدیکی به خداوند می‌باشد، از قرآن کریم به روشنی فهمیده می‌شود؛ در سوره مائده آیه ۷۶ می‌فرماید: ^۱ «پیامبر بگو: آیا شما به‌جز خداوند خداوند چیزی را که مالک نفع و ضررتان نیست، می‌پرستید؟» و نیز در سوره صافات، آیه‌های ۹۵-۹۶ آمده است. [ابراهیم] گفت: آیا چیزی که به دست خود ساخته‌اید، شایسته پرستش است؟^۲ درحالی که خداوند شما و همه چیز را آفریده است ولی شما نمی‌دانید^۳ از این آیات به خوبی فهمیده می‌شود که معبود باید خالق، مالک و قادر مطلق باشد، نه مخلوق فقیر و ناتوان.

۲-۲- پاسخ به شبهه

باید اذعان نمود که پیشرفت و انقلابی که در علم ژنتیک در اواخر قرن ۲۰ به‌ویژه در چهره مهندسی ژنتیک نمایان شده است و شبیه‌سازی موجودات زنده خصوصاً انسان از کارکردهای آن است، به‌هیچ‌وجه آفرینشی از سنخ آفرینش خداوند در خصوص انسان نیست. البته فعالیت آفرینشگرانه انسانی در طول فعالیت آفرینشی الهی می‌تواند باشد؛ زیرا نتیجه مهندسی و علم ژنتیک، در گرو هستی پیشینی سلول‌های بنیادی و جنسی و نیز بازهای

۱- قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا...

۲- برگزیده تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۴۴.

۳- قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْجِتُونَ. وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَ مَا تَعْلَمُونَ.

۴- ترجمه الهی قمشه‌ای، ص ۴۴۹.

چهارگانه یا نقشه ژنتیک با خواص و قوانین شیمیایی، زیست شیمی و زیستی، به آنها مختص است که هیچ کدام آنها فراورده دست بشر نیست؛ بلکه در حوزه علم و قدرت آفرینشگرانه خداوند قرار دارد و آنچه که علم امروزین بشر بدان دست یافته است، شناخت قوانین حاکم بر این واحدهای حیاتی است که بازتاب کارکرد و هویت زیستی آنهاست. دقیقاً بر مبنای همین شناخت، عالمان و مهندسان ژنتیک توان ایجاد تغییرات و ترکیبات در سلول‌های بنیادین و جنسی و در نهایت طراحی و برنامه‌نویسی ویژه را در تعاملات بازها و واحدهای حیاتی پیدا نمودند. البته این اقدامی چشمگیر برای انسان است که به‌گونه‌ای مستقیم تأثیر فراگیر در شکل‌دهی حیات بشر در آتیه خواهد داشت، اما این ظرفیت و توانایی علمی انسان‌ها، رابطه زیستی و خلقتی انسان را با خداوند نتوانسته است قطع نماید (همان، ۱۱۸).

در هر سه روش شبیه‌سازی، خالقیت خداوند همچنان محفوظ و مستحکم است. دانشمندان علم ژنتیک بدون سلول تخم و قوانین حاکم بر آن و نیز در فقدان یک سلول بالغ از یک عضو دیگر و نقشه ژنتیکی این سلول با تمامی ویژگی‌ها و توانایی‌های آن، نمی‌توانند دست به هیچ کاری بزنند. اینها نمی‌توانند سلول تخم را با تمامی اطلاعات فراگیر که دارد و نیز D.N.A سلول هر بافت را با اطلاعات و ظرفیتی که در آنها تعبیه شده است و نیز سلول بنیادی را، ابتداً و مستقلاً پدید آورند و خلق نمایند؛ بلکه با استفاده از فناوری‌های نو و پیشرفته، قادر به کشف قوانین ویژگی‌ها و قابلیت‌های آنها گردیده‌اند و بر مبنای آنها به باز ترکیب و برنامه‌نویسی‌شان می‌پردازند. به‌علاوه علت عبودیت انسان در برابر خداوند متعال صرفاً مخلوقیت نیست؛ بلکه عالی‌ترین دلیل و علت عبودیت، شایستگی‌هایی است که در خداوند وجود دارد و از سوی انسان‌ها به درجات گوناگون درک می‌شود، همین که فرزندان آدم در میدان جاذبه چنان موجودی قرار گرفتند و آن را دریافتند، تسلیم او می‌شوند و افتخار بندگی و پرستش را به دست می‌آورند.

از سوی دیگر تمرکز انحصاری بر خلقیت خداوند در تفسیر و تبیین عبودیت، رابطه انسان و خدا را درست آشکار نمی‌کند. اگر انسان تنها احساس مخلوقیت را در برابر خداوند داشته باشد و خالق را واجد دیگر ویژگی‌ها و کمالات نداند و یا نیابد، در این صورت رابطه و

پیوند کاملاً یک‌سویه، انفعالی و از باب جبر خواهد بود و چنین رابطه و پیوندی ارزش معرفتی و تکامل ندارد و مطلوب خالق انسان نیز قرار نمی‌گیرد. انسان به همین جهت، عبودیت را که نتیجه دریافت و معرفت وحدانیت، ربانیت، قاهریت، مالکیت، قیومیت، عالمیت ذاتی در معبودی به نام الله است، سازنده می‌یابد و دهها آیه دیگر که در همه آنها خداوند واجد اوصاف و ویژگی‌های فراوانی معرفی می‌شود و چنانچه درست درک شوند خداوند را شایسته پرستش و نیایش می‌یابند و چون فهم و درک آن ویژگی‌ها یکسان و هم‌سطح از سوی انسان‌ها نیست، طبعاً عبودیت نیز مراتب و مراحل گوناگونی پیدا می‌کند.

در شبیه‌سازی، پس از گرفتن هسته سلول و یا هریک از سلول‌های به‌دست‌آمده از تکثیر تخمک لقاح‌یافته، چه بسا این توهّم پیش آید که انجام کارهای بعدی مترتب بر هریک از این سلول‌ها، برای دستیابی به پیکری جدید یا نوزادی مشابه صاحب هسته، یا نوزادان چند قلو، حرام خواهد بود؛ زیرا این قبیل کارها، وارد شدن و دخالت در اموری است که به دست خدای تبارک و تعالی بوده و یا تغییر و تبدیل دادن آفرینش الهی است که شیطان ملعون به آدمیان فرمان می‌دهد تا آفرینش خدا را دگرگون سازند. بنابراین همه کارهای انجام پذیرفته، شرعاً حرام‌اند. چنین توهّم و ذهنیتی، بسیار ضعیف است. باید گفت: کارهای یادشده، اموری غیر از حرکت‌های انسانی که خود و تمام حرکات و سکناش آفریده خدا و به دست توانای اوست، چیز دیگری نیست و سلول‌ها و هسته آنها و همه چیزهایی که برای دستیابی به این نتایج از آن بهره‌گیری و استفاده می‌شود، همه آفریده‌های خدای متعال‌اند و ذات مقدّسش، آفریدگار همه آنهاست و ویژگی‌ها و خواص هریک را خدا به آنها عطا فرموده است. بنابر این جز آنچه خدا خواسته و به اراده اوست، کاری انجام نخواهد پذیرفت. همان‌طور که از آیات شریفه قرآن انعام ۱۰۲ و ۱۰۶ و ۱۶۴ به دست می‌آید؛ این کار تناقضی با خالقیت خداوند ندارد^۱.

چگونه این امر را مخلوق خداوند به‌شمار نیاوریم که در غیر این صورت ایجاد ساختمان‌ها، کاشتن بذر برای روییدن گیاه و سبزه و درختان، بافتن پارچه و فرش، پختن

۱- ذلکم الله ربکم لا إله إلا هو خالق کل شیء فاعبدوه وَ هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (انعام، ۱۰۲ و ۱۰۶)
قُلْ أَغْبِرَ اللَّهُ أَبْنِي رَبّاً وَ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ (انعام، ۱۶۴)

غذاها و اموری از این دست که کارهایی معمولی‌اند نیز همه باید از مصادیق تغییر و تبدیل آفرینش الهی باشند؛ تا چه رسد به ساختن صنایع به‌وسیلهٔ ابزار مدرن و پیشرفته! علاوه بر این حرمت چنین کارهایی از این آیه: *وَلَا ضَلَّيْنَهُمْ وَ لَأْمَنِيْنَهُمْ وَ لَأْمُرْنَهُمْ فَلْيَتَكُنْ اَذَانَ الْاَنْعَامِ وَ لَأْمُرْنَهُمْ فَلْيَعْيُرْنَ خَلْقَ اللّٰهِ وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرًا مُّبِيْنًا* (نساء، ۱۱۹)، (و سخت گمراهشان کنم و به آرزو (های باطل و دور و دراز) درافکنم و دستور دهم تا گوش حیوانات ببرند (که اینها نصیب بتهاست) و امر کنم تا خلقت خدا را تغییر دهند، و (ای بندگان بدانید) هرکس شیطان را دوست گیرد نه خدا را، سخت زیان کرده زبانی آشکار. ترجمهٔ الهی قمشه‌ای)، شریفه استفاده نمی‌شود و این خود دلیل بر عدم ارادهٔ این معنا از آیهٔ کریمه است. این بخش از آیهٔ شریفه در روایت جابر از امام باقر (ع)، گاهی به دین الهی و گاهی به فرمان الهی، تفسیر شده است (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ۱۷۵). هریک از این تعبیرات، نظیر دیگری است و همهٔ اینها به پدیدآوردن بدعت‌ها در دین خدا بازگشت دارد. صدق تغییر آفرینش خدا بر ابداع، از این‌روست که در حکم واقعی که خداوند مثلاً برای وجوب این کار قرار داده و وجوب آن، آفریدهٔ الهی به شمار می‌آید، ابداع‌کننده‌ای حکم وجوب آن را به استحباب تغییر و آن را به خداوند نسبت دهد. وی در حقیقت آفرینش خدا را به چیز دیگری تغییر داده است و در سایر بدعت‌ها نیز مطلب، همین‌گونه است. به هر ترتیب، توهم فوق کاملاً ضعیف است.

۳- حکم فقهی شبیه‌سازی

امروزه در مجامع علمی، تقریباً شبیه‌سازی درمانی پذیرفته شده است و محل بحث و اختلاف‌آرا در شبیه‌سازی انسانی است. نکتهٔ ظریفی که در اینجا نهفته است این است که در پدیده‌ای چون شبیه‌سازی، فقیه از یک‌سو با پیامدهای فرضی و احتمالی مواجه است و از سوی دیگر، صدور حکم به تحریم، باعث محرومیت جامعه علمی و پژوهشی از ورود به این عرصه‌هاست که نتیجهٔ آن محرومیت از دستیابی به این نوع دانش‌ها و فناوری‌هاست. از این‌جاست که نقش زمان و مکان به‌عنوان یکی از لوازم حکم در اجتهاد مورد توجه قرار می‌گیرد. مجامع علمی اهل سنت، شبیه‌سازی درمانی را به دلیل اعتقاد به عدم حرمت از بین بردن جنین قبل از استقرار در رحم، جایز دانسته‌اند، اما کلیسای کاتولیک قاطعانه با هر دو

نوع درمانی و انسانی مخالفت کرده است؛ چون ماهیت عمل را یکی می‌دانند و عقیده دارند این کار از قتل نفس و سقط جنین هم بدتر است (سهرابی و خوئینی، ۱۳۸۶، ۲۲۰).

یکی از فقهای معاصر می‌گوید: از نظر فقهی می‌شود بین این دو فرق گذاشت؛ چون موانع و محذورهایی که سبب شده فقهای اهل سنت تقریباً به اجماع حکم به حرمت کنند و نیز فقهای شیعه قائل به حرمت شوند، در شبیه‌سازی انسانی است و در شبیه‌سازی درمانی به هیچ‌وجه جای توهمی چون اختلال نظام نیست؛ بلکه به عکس، موجب تقویت و تحکیم بنیان نظام بشری هم می‌شود. بشر می‌خواهد زنده بماند و نیاز به کبد و کلیه و اعضا و جوارح دیگر دارد که از راه شبیه‌سازی به‌خوبی می‌تواند به این هدف دست یابد. اما اینکه کاتولیک‌ها هر دو را به دلیل ماهیت واحدشان ممنوع کرده‌اند، قابل نقد و مناقشه است؛ به دلیل اینکه خیلی از امور ماهیت واحد و مشترک دارند، اما چون نتایج مترتب بر هر کدام متفاوت است، حکمشان هم یکسان نیست (فاضل‌لنکرانی، ۱۳۸۵).

در *تحف‌العقول* روایتی است که شیخ انصاری در مکاسب آن را آورده و علاوه بر ایشان، بزرگانی مانند: مرحوم نائینی، صاحب جواهر و سید یزدی هم به این روایت عمل کرده‌اند (به نقل از مجله فقه اهل بیت). در این روایت چنین مضمونی آمده که: (مایجیء منه الفساد) یا (أوشیء فیه وجہ من وجوه الفساد). (حرانی، ۱۴۰۹، ۲۵۰) گرچه با تصحیح سند ما به این روایت تعبد داریم، ولی وقتی به آن می‌نگریم، می‌فهمیم که این امری عقلایی است. از دید عقلا هرگاه بر چیزی فساد مترتب باشد و دیگری چنین نباشد، حکم‌شان هم متفاوت است؛ ولو ماهیت آنها یکی باشد. طبق این روایت اگر کاری (یأتی منه الفساد) باشد - یعنی مقدمه آن یا خود فعل مصداق فساد باشد - با کاری که مصداق فساد نیست، تفاوت زیادی دارد. بنابراین، هم از دید فقهی هم از دید عقلایی نتایج مترتب بر فعل، کاملاً در مقبول یا مردود بودن آن عمل مؤثر است.

۴- دیدگاه فقهای شیعه

درباره حکم شبیه‌سازی انسانی، در میان فقهای شیعه اتفاق نظر وجود ندارد؛ آنان درباره شبیه‌سازی انسانی نظریات متفاوت و گاه متضادی اتخاذ کرده و فتوهای مختلفی صادر

کرده‌اند. درحالی‌که برخی آن را کاملاً مجاز و برخی دیگر آن را حرام شمرده‌اند. از بررسی فتوهای مختلف فقهای شیعه می‌توان به چهار نظریه زیر دست یافت:

۴-۱- جواز مطلق شبیه‌سازی انسانی: برخی از فقها و صاحب‌نظران به دلیل نبود نصی خاص و روشن که بر حرمت شبیه‌سازی انسانی دلالت کند و به استناد قاعده (کل شیء لک حلال حتی تعلم انه حرام بعینه فتدعه) (شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۲، ص ۶۰) به استناد اصل اباحه اصلیه، شبیه‌سازی انسانی را مجاز شمرده‌اند. برای مثال در برابر این پرسش که: آیا شبیه‌سازی و تکثیر انسان در آزمایشگاه و از طریق روش‌های پیشرفته علمی (کلوناز) جایز است؟ پاسخ برخی از فقها بدین شرح است:

برخی از جمله سیدعلی سیستانی، آیت‌الله عزالدین زنجانی، آیت‌الله فاضل لنکرانی معتقدند فی‌نفسه مانعی ندارد، مگر اینکه محرز شود توالی فاسد دارد (صادقی، ۱۳۸۳، ۷۹). آیت‌الله موسوی اردبیلی و آیت‌الله سید محمدسعید حکیم بر این نظرند که اگرچه شبیه‌سازی در مورد انسان تاکنون به مرحله عمل نرسیده است، ولی دلیل قوی و محکمی بر حرمت چنین تحقیقات و آزمایش‌هایی وجود ندارد (مجموعه آرای فقهی - قضایی در امور حقوقی، ۲۳۱).

آیت‌الله صادق روحانی و آیت‌الله آصف محسنی و آیت‌الله عبدالله جوادی عاملی و آیت‌الله معرفت شبیه‌سازی انسانی را جایز می‌دانند (الفقه و مسائل طبیعه، ص ۴۱۵). علامه فضل‌الله نیز نه تنها شبیه‌سازی انسانی را مغایر سنت خدا نمی‌داند، بلکه آن را گامی در جهت فهم عمیق‌تر سنت‌های نهان در هستی معرفی می‌کند. وی بر این نظر است که این مسئله نه از نظر اعتقادی مشکلی دارد و نه از نظر شرعی و فقهی، لیکن به‌طور طبیعی مانند هر مسئله تازه‌ای ممکن است ابهاماتی در فقه پدید آورد که نیازمند فهم و بررسی است. ایشان با دعوت به عقلانیت و پرهیز از تکفیر یکدیگر، تا جایی پیش رفت که گفت اگر علم قطعی با برخی از ظواهر دینی تعارض پیدا کرد، باید آن ظواهر را تأویل نمود (فضل‌الله، آخرون، ۱۹۹۷، ۱۰۰). گفتنی است که وی در گفت‌وگوهای مختلفی بر ضرورت درنگ در این مسئله و پرهیز از شتابزدگی در صدور حکم و تلاش برای به دست آوردن تقریر درستی از ماهیت شبیه‌سازی تأکید می‌کند و حتی از برخی از یاران خود در اروپا می‌خواهد تا

اطلاعات دقیقی در این زمینه برای او فراهم کنند (حسین‌طه، علی، الاستنساخ الجینی، ۵۹). سید محمدسعید حکیم، بر این نظر است که شبیه‌سازی انسانی مباح است دلیلی بر حرمت آن نیست. وی در پاسخ به استفتایی در این باره، به تفصیل نظر خود را بیان می‌دارد. از این منظر شبیه‌سازی انسانی نوعی به کارگیری سنت‌ها و قوانین الهی است که کشف و کار بست آنها بیانگر قدرت عظیم خداوند به‌شمار می‌رود؛ در نتیجه، این کار در صورتی که با عمل حرام دیگری همراه نشود، مجاز و مباح است (طباطبایی حکیم، ۱۹۹۹، ۱۸). ایشان نه تنها این کار را مجاز می‌شمارد، بلکه یکایک دلایلی را که بر ضد شبیه‌سازی انسانی اقامه شده است، به نقد می‌کشد و آنها را برای اثبات حرمت ناکافی می‌داند (همان، ۱۹-۲۰).

آقای موسوی‌سبزواری نیز به تحلیل حکم شرعی این مسئله پرداخته و شقوق ممکن را برشمرده است. از نظر وی شبیه‌سازی انسانی منطقی‌تر است حالت می‌تواند داشته باشد: یکم: حرمت ذاتی؛ یعنی به دلیل آنکه این کار دخالت در کار خداوند یا دستکاری ژنتیکی به‌شمار می‌رود، آن را ذاتاً حرام بشماریم. دوم: حرمت تشریعی؛ مانند حرمت زنا و شرب خمر. سوم: حرمت به استناد دلایل ثانوی. از این منظر ممکن است که شبیه‌سازی انسانی فی‌نفسه مباح باشد اما دلایل دیگری موجب تحریم ثانوی آن شود (سبزواری، بی‌تا، ۵-۱۲۴). وی پس از نقل نقد این دیدگاه‌ها، نظر می‌دهد که شبیه‌سازی انسانی با قطع نظر از مسائل دیگر مباح است و در حقیقت به کارگیری قوانین و سنن الهی که در نهاد موجودات نهاده است، به شمار می‌رود (همان، ۱۲۵) از این منظر ادعای تحریم این کار نیازمند دلیل است؛ حال آنکه ادعای جواز موافق اصل است و قائل به آن ملزم به ارائه دلیل نیست (همان، ۱۲۶). سیدمحمد شیرازی نیز در پاسخ به استفتایی که در سال ۱۹۹۶ درباره امکان شبیه‌سازی انسانی از ایشان شد پاسخ داد اصل جواز است، مگر اینکه محذور شرعی داشته باشد مانند: اختلال نظام (اعداد، الاستنساخ فی رأی الامام الشیرازی).

بدین ترتیب از نظر برخی از عالمان شیعه، شبیه‌سازی انسانی طبق اصل اولی و در صورتی که با عمل حرام دیگری همراه نباشد، جایز است.

۴-۲- جواز محدود شبیه‌سازی انسانی

برخی بر اساس نصوص موجود و به استناد اصل اولی در این مورد، شبیه‌سازی انسانی را مجاز شمرده‌اند، اما بر این نظرند که انجام گسترده شبیه‌سازی انسانی مشکلاتی فراهم می‌آورد؛ مانند وجود افراد همانند و دشواری بازشناسی آنان از یکدیگر؛ در نتیجه، آنان حکم به جواز موردی و فردی داده و آن را در سطح کلان غیرمجاز شمرده‌اند. از این منظر شبیه‌سازی انسانی تنها به گونه‌ای موردی و در سطح فردی و محدود مجاز است. استاد حسن جواهری این نظر را مطرح کرده‌اند که شبیه‌سازی فی نفسه و به‌عنوان اولی، اشکالی ندارد، به شرط آنکه همراه با عمل حرام دیگری نباشد؛ اما اگر این کار در سطح وسیعی صورت گیرد و بر اثر تشابه تام موجب اختلال نظام گردد، حرام خواهد بود (جواهری، ۱۳۸۵، ص ۱۹). باین‌همه، به نظر وی این کار در سطح فردی اشکالی ندارد و نیازی به قول به حرمت مطلق نیست (همان، ۲۰). ایشان نه تنها این کار را در سطح فردی مجاز می‌شمارد، بلکه ادعای حرام بودن آن را حرام می‌داند؛ یعنی کسی حق ندارد، امری مشروع را حرام بشمارد و بی‌دلیل فتوا به حرمت آن دهد؛ زیرا این کار نوعی تشریح خلاف شرع و مشمول این نهی خداوند است که در سوره نحل، آیه ۱۱۶ می‌فرماید: *وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتِكُمُ الْكُذْبَ هَذَا حَلَالٌ وَ هَذَا حَرَامٌ لِيَتَفَتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ...* در نتیجه از نظر ایشان، هرچند این کار حلال است، اما ولی فقیه می‌تواند اینکار را بنا به مصالحی و به‌عنوان حکم حکومتی حرام اعلام کند. در این صورت، این حرمت موقت و قابل رفع است (همان، ۲۱). وی آن‌گاه به این پرسش که آیا شبیه‌سازی نقض کرامت انسان نیست؟ پاسخ می‌دهد که: کرامت خدادادی همان قدرت تعقل و رشد و طی مدارج کمال است و این کار نقض کرامت به شمار نمی‌رود (همان، ۲). همچنین این پرسش را مطرح می‌کند که آیا منع شبیه‌سازی انسانی، به معنای منع حق انتخاب افراد در نحوه تولید مثل نیست؟ و پاسخ می‌دهد که: اگر شبیه‌سازی را به‌طور مطلق منع کنیم، این کار مانع حق انتخاب افراد خواهد بود. اما منع فی‌الجمله محدود آن و برای افرادی خاص، مانع اصل حق انتخاب در نحوه تولید مثل نمی‌گردد (همان، ۲۷). بنابراین دیدگاه دوم آن است که شبیه‌سازی انسانی در سطح محدود مجاز است و در سطح کلان می‌تواند حرام باشد.

۴-۳- حرمت ثانوی شبیه‌سازی انسانی

برخی از فقهای شیعه بر این نظرند که شبیه‌سازی انسانی فی‌نفسه و به‌عنوان اولیه اشکالی ندارد و به استناد اصالة الاباحه، جایز است؛ لیکن انجام آن به مفسدی اجتناب‌ناپذیر خواهد انجامید. از این رو، برای پیشگیری از این مفسد، شبیه‌سازی انسانی به‌عنوان ثانوی حرام به شمار می‌رود. آقایان سیدکاظم حائری، سیدصادق شیرازی و آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی از این نظر حمایت می‌کنند.

سیدکاظم حائری درباره شبیه‌سازی انسانی بر این نظر است که نفس این کار اگر موفقیت‌آمیز باشد و با عمل حرامی همراه نگردد، به‌عنوان اولی جایز است، لیکن از آیه شریفه: (و من آیاته هـ. اختلاف السننکم و الوانکم)، درمی‌یابیم که حکمت خداوند برای حفظ نظام بر اختلاف زبان‌ها و رنگ‌ها جریان یافته است و از آنجا که این شبیه‌سازی در صورتی که به شکلی وسیع به کار گرفته شود به دلیل عدم امکان بازشناسی خریدار از فروشنده، خواهان از خواننده در دعاوی، ستمگر از ستم‌دیده و مانند آن در عقود، ایقاعات و جنایات غیره، حتماً به اختلال نظام می‌انجامد، پس لازم می‌آید که به سبب این لازمه باطل، این کار در سطح وسیع آن تحریم شود (ما هو رأی الشریعه الاسلامیه من عملیه الاستساح قابل دسترسی در پایگاه البلاغ به آدرس balagh.com).

تحلیل صدر و ذیل نحوه استدلال، این تصور را تقویت می‌کند که ایشان شبیه‌سازی انسانی را در سطح فردی و محدود می‌پذیرد و تنها آن را در سطح کلان حرام می‌داند. در این صورت، این دیدگاه به دیدگاه قبلی ملحق می‌شود، لیکن از آنجا که تصریحی بر جواز آن به‌صورت فردی در این سخن دیده نمی‌شود، می‌توان احتمال داد که ایشان به دلیل آن لوازم فاسد، شبیه‌سازی انسانی را حتی در سطح فردی حرام می‌داند، به‌خصوص آنکه گردآورندگان این استفتائات، پس از نقل نظر ایشان و نقل نظر آیت‌الله جواد تبریزی، که قائل به حرمت است، نظر آن دو را یکی می‌دانند و آنها را چنین جمع‌بندی می‌کنند: «شبیه‌سازی به‌عنوان اولی جایز است، ولی با عناوین ثانوی و آثار سوء مترتب بر این کار، حرام می‌گردد» البته فتوای دیگری از ایشان در دست است که در آن این قطعیت و تأکید بر مفسد حتمی شبیه‌سازی انسانی وجود ندارد و حکم مسئله به گونه‌ای مشروط بیان و حتی

شبیه‌سازی انسانی در موارد نادر مجاز شمرده شده است. ایشان در پاسخ به استفتایی دربارهٔ مسائل شبیه‌سازی چنین می‌فرماید: «اگر شبیه‌سازی به اختلال در نظام اجتماعی مانند عدم تشخیص ستمگر از ستم‌دیده و محرم از نامحرم و وارث از غیر وارث و غیر آن بینجامد، شبیه‌سازی حرام می‌گردد و این است معنای در معرض تهدید قرار گرفتن حقوق انسان یا زیان دیدن مصالح فرد و جامعه. اما شبیه‌سازی به شکلی نادر که به مفاسدی از این قبیل نیبجامد حرام نیست و توجیهی برای منع آن وجود ندارد» (استفتاء، ۱۴۱۹، شماره ۱۰۹۲).

آیت‌الله فاضل در مورد شبیه‌سازی که منجر به تولید جنین می‌شود، می‌فرمایند: برای تبعات بعدی آن محذوریت پیش نمی‌آید، ولی این موضوع نیازمند تحلیل بیشتری است؛ چون که فقها اسقاط جنین را قبل از ولوج روح حرام می‌دانند؛ البته حرمت قتل را ندارد. این حرمت، شبیه حرمت تشریح است که برخی فقها به آن فتوا داده‌اند، ولی حرمتش را به اندازه حرمت قتل نفس ندانسته‌اند؛ اما پس از ولوج روح، حرمت شدیدتر می‌شود و دیه دارد و هرچه مدت بیشتری بگذرد، دیه‌اش بالاتر می‌رود و حرمتش هم بیشتر می‌شود؛ چون دیه نشانهٔ حرمت در نزد شارع است. ایشان در جای دیگر بیان می‌دارد که اگر شبیه‌سازی درمانی به این معنا باشد، هم ادله و هم فتاوا دلالت می‌کنند که اگر نطفه در رحم استقرار یابد، ولو یک‌روزه باشد، از بین بردن آن حرام است؛ حتی در روایت معتبری به صراحت تعبیر شده که: (لأنها قتلته) با وجود این، آنچه گفته شد به‌عنوان دیدگاه اولیه و اجمالی است، نه نظریه و حکم قطعی؛ چون تمام این مباحث در جایی است که کسی بخواهد نطفه را به‌طور کلی از بین ببرد، اما مثلاً اگر شبیه‌سازی درمانی به گونه‌ای باشد که سلول ملقح را بخواهند تبدیل کنند، این دیگر انهدام و از بین بردن نطفه نیست؛ بلکه تبدیل شدن به سلول دیگر است. آن گاه شاید شبیه‌سازی درمانی از شمول روایات خارج شود. آیت‌الله سید صادق شیرازی نیز در پاسخ به استفتایی درباره مشروعیت این کار می‌گوید که شبیه‌سازی فی‌نفسه کشفی علمی و مجاز است، لیکن از آنجا که مستلزم امور غیرجایزی مانند اختلال نظام طبیعی و وجود محذور شرعی است، عدم جواز به آن سرایت می‌کند و حرام می‌گردد. در نتیجه فعلاً و در چارچوب شرایط معاصر، جایز نیست، والله العالم (شبکه النبأ المعلوماتیه- الخمیس ۲۰۰۳/۱/۲، ۲۸ شوال ۱۴۲۳ به آدرس annabaa.org). سرانجام آیت‌الله مکارم شیرازی

می‌کوشد از همین دیدگاه با استدلال بیشتر و مفصل‌تری دفاع نماید ایشان در استفتایی به این مسئله چنین پاسخ می‌دهد؛ در آنجایی که منجر به مفاسد اخلاقی و اجتماعی می‌شود، جایز نیست (الاستنساخ، قابل دسترسی در سایت اختصاصی ایشان، به آدرس amiralmomenin.net).

همچنین هنگام پرسش از جواز شبیه‌سازی انسانی، پاسخ می‌دهد که «این کار جایز نیست و مفاسد زیادی دارد اطلاعاتی که اخیراً منتشر شده نشان می‌دهد که: کسانی که از طریق شبیه‌سازی به وجود می‌آیند در معرض ناهنجاری‌های جسمی شدیدی هستند، مانند کمبود کلیه‌ها و نیمی از مغز و امثال آن». این پاسخ می‌تواند هم به معنای تحریم به‌عنوان حکم اولی باشد و هم حکم ثانوی، لیکن مبنای ایشان در جاهای دیگر روشن است. در مورد دیگری استفتایی به این شرح از ایشان شده است: آیا کلونینگ (شبیه‌سازی) انسان، با توجه به پیامدهایی از قبیل احتمال ابتلا به بیماری‌های پیش‌بینی نشده و بروز آثار سوءروانی — عاطفی بر انسان‌های کلون‌شده و به هم خوردن نظام طبیعی خانواده و حذف نقش پدر و جایگاه نامشخص نوزاد کلون‌شده در خانواده و به هم خوردن اصل واحد بودن انسان و از دست رفتن حق آزادی انتخاب (اتفاقی) و کاهش تنوع ژنتیکی انسان‌ها در دراز مدت تردید در روح داشتن انسان کلون‌شده، جایز است؟ (دهمین سؤال از مجموعه استفتای مورخ ۱۳۸۲/۱/۱۲ موجود در دفتر ایشان). ایشان در جواب این استفتا می‌نویسد: این کار ذاتاً از نظر شرع اشکالی ندارد، ولی با توجه به مشکلات جنسی که به بار می‌آورد و جامعه انسانی را مواجه با ناهنجاری‌هایی می‌سازد که بر اهل خبره پوشیده نیست، انجام آن خالی از اشکال نیست. به همین جهت، حتی افرادی که پایبند به دین و شریعتی نیستند، به‌خاطر مفاسد مختلف آن، به مخالفت با آن برخاسته‌اند و در بعضی از کشورها مجازات‌های سنگینی برای آن قائل شده‌اند (پاسخ به استفتای مورخ ۱۳۸۲/۱/۱۲ در مجموعه دوازده استفتا موجود در دفتر ایشان). اما در اینجا به نظر می‌رسد که ایشان از حکم به تحریم خودداری و تنها به آوردن احتیاطی بسنده کرده است. با این‌همه، ایشان به گونه‌ای اجتهادی این مسئله را در درس خارج خود طرح و دلایل خویش را بیان داشته است. در این درس، ایشان چند مسئله را پیش می‌کشند: نخست توضیح مکانیزم و فرایند این کار؛ دیگری حکم شرعی شبیه‌سازی؛

سوم نقد دلائل حرمت شبیه‌سازی و چهارم بررسی احکام شرعی یا وضعی شخص شبیه‌سازی‌شده. درباره حکم شرعی شبیه‌سازی یا جواز و حرمت اصل این عمل، به نظر ایشان: «این مسئله از سه جهت قابل بررسی است: ۱. از نظر لوازم و عوارض؛ ۲. عنوان اولی؛ ۳. عنوان ثانوی» (دیدگاه فقهی آیت‌الله شیرازی درباره دو مسئله شبیه‌سازی و راه‌های فرار از ربا، ۲۵). در مورد جهت اول، به نظر ایشان این کار مستلزم انجام محرماتی مانند لمس و نظر حرام است، مگر آنکه مجری این کار شوهر باشد که فرض نادری است. (همان منبع پیشین) درباره جهت دوم، به نظر ایشان: اصل اباحه است؛ چون آیه و روایت و اجماع و دلیل عقلی بر حرمت (شبیه‌سازی) نداریم، و از مسائل مستحدثه است. درباره جهت سوم بحث، ایشان برای شبیه‌سازی، برخی از مسائل اخلاقی، حقوقی و اجتماعی ناپذیرفتنی را یاد می‌کند و نتیجه می‌گیرد که از نظر عناوین ثانویه، این کار برای جامعه بشری خطرناک است. لذا تمام اقوام و ملل جهان آن را خلاف مسائل اخلاقی می‌دانند و حتی بسیاری از دولت‌ها با تصویب قانون، این کار را ممنوع دانسته‌اند. آنگاه ایشان بحث خود را این‌گونه جمع‌بندی می‌کند: شبیه‌سازی از نظر حکم شرعی به‌عنوان اولی مشمول اصل اباحه است؛ چون آیه و روایت، دلیل عقلی و اجماعی بر حرمت نداریم (همان، ۲۶ - ۲۷). پس سرانجام آنکه: شبیه‌سازی به‌عنوان اولی مشمول اصل اباحه است؛ ولی به‌عنوان ثانوی، حرام است (همان، ۲۹).

آیت‌الله یوسف صانعی نیز که از قائلان به حرمت شبیه‌سازی انسانی است، هرچند تصریحی به حکم اولی یا ثانوی بودن حرمت این کار ندارد، لیکن فتوای خود را به گونه‌ای سامان داده است که گویای حرمت ثانوی آن است. از نظر ایشان شبیه‌سازی انسانی در حال حاضر قطعاً حرام است؛ زیرا شناخت افراد از یکدیگر مشکل و قوانین حقوقی دچار اشکال می‌شود و در زمینه نسب، ازدواج و تقسیم ارث مشکلاتی به وجود می‌آید؛ در نتیجه از نظر ایشان باید با این کار مقابله کرد و مانع انجام آن شد (اصفهانی و مصنعتی، ۱۳۸۴، ۱۳۸-۱۳۹). البته ایشان در فتوای دیگری با تأکید بر مشکلات این کار و مخالفت با آن، شبیه‌سازی انسانی را در موارد نادر و ضرورت‌های شدید، که نافع برای بشریت باشد، مجاز شمرده است (صادقی، ۱۳۸۳، ۷۹).

بدین ترتیب، سومین دیدگاه در میان شیعه، شبیه‌سازی را به‌عنوان اولی حلال و به‌عنوان ثانوی حرام می‌شمارد.

۴-۴- حرمت اولی شبیه‌سازی انسانی

در برابر سه نگرش فوق که در نهایت اصل شبیه‌سازی انسانی را به‌عنوان اولی مجاز می‌شمردند و تنها در دامنه یا حکم ثانوی آن تفاوت داشتند، نگرش چهارم اساساً شبیه‌سازی انسانی را به‌عنوان فعلی که فی‌نفسه حرام است، معرفی می‌کند و آن را به‌عنوان اولی نامشروع می‌داند. البته این نگرش طرفداران اندکی دارد و دلایل چندانی به سود آن اقامه نشده است. از قائلان به این نگرش می‌توان آیت‌الله جواد تبریزی را نام برد. ایشان در پاسخ به این استفتا که: (آیا مشابه‌سازی و تکثیر انسان در آزمایشگاه و از طریق روش‌های پیشرفته علمی (کلوناز) جایز است؟ به اختصار پاسخ می‌دهند: جایز نیست (الاستنساخ بین الاسلام و المسيحیه، ص ۱۳۲). ایشان در جای دیگری به تفصیل نظر دلایل خود را این‌گونه بیان می‌کند: شبیه‌سازی انسانی جایز نیست؛ زیرا تمایز و تفاوت میان ابنای بشر، ضرورتی است برای جوامع انسانی و مقتضای حکمت خدای سبحان است. خدای تعالی می‌فرماید: وَ مِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافَ السِّتَاتِ وَالْوَالِدَاتِ الَّيْهِنَّ مِمَّا خَلَقْنَا لَعَلَّكُمْ تَعَارَفُونَ^۱ زیرا نظام عالم بر آن متوقف است؛ درحالی‌که شبیه‌سازی انسانی - افزون بر آنکه مستلزم محرمات دیگری مانند مباشرت ناهمجنس و نظر بر عورت است - موجب اختلال نظام و هرج‌ومرج است؛ در نتیجه، در نکاح امر میان زوجه و زن اجنبی و محرم و نامحرم خلط می‌شود و در همه معاملات امکان بازشناسی میان طرفین وجود نخواهد داشت و نمی‌توان قابل را از موجب شناخت (ما هو رأی شریعه الاسلامیه من عملیه الاستنساخ، قابل دسترسی در سایت البلاغ).

علامه محمد مهدی شمس‌الدین هم‌زمان با اعلام مجاز بودن این کار به‌وسیله علامه فضل‌الله، و درست برخلاف نظر او، آن را حرام شمرد و مجله/شراع طی مقاله‌ای با عنوان

۱- روم/۲۲.

۲- حجرات/۱۳.

«حلال و حرام بین السید و الامام» به تفاوت جوهری دیدگاه این دو پرداخت (مجله الشراعی، ۱۹۹۷/۳/۲۴). وی نه تنها شبیه‌سازی انسانی را حرام شمرد، بلکه اجرای شبیه‌سازی در عرصه حیوانات را نیز نامشروع دانست و گفت: «در مقام فتوادادن درباره شبیه‌سازی، اجرای این عمل بر حیوانات مطلقاً حرام است» و در ادامه این فتوا، وی بر حرمت قطعی و مطلق شبیه‌سازی انسانی تأکید نمود. البته موضع وی در قبال شبیه‌سازی حیوانی ظاهراً متغیر بود و به گونه‌ی روشنی موضع خود را مشخص نمی‌کرد. برای مثال یک صفحه پس از تأکید بر حرمت شبیه‌سازی حیوانی، چنین نوشت: شبیه‌سازی انسانی قطعاً و یقیناً نامشروع است و در مجال حیوانی، مسئله‌ای است که باید درباره‌اش بحث شود، ولی به گونه‌ای به‌خودی‌خود مشروعیت آن را اثبات نمی‌کنیم (الاستنساخ بین الاسلام و المسيحیه: مقالات و ابحاث و مقابلات لکبار رجال‌الدین و المفکرین و الباحثین من مختلف الادیان و المذاهب، ص ۱۳۳). وی در گفت‌وگویی با مجله الشراعی، علت اصلی تحریم شبیه‌سازی انسانی را عدم تسلط انسان بر جسد خود دانست. وی مدعی شد که خداوند بشر را آفریده و در او سر خود را نهاده است. در نتیجه، بنده حق ندارد برخی از ویژگی‌های طبیعی موجود را به هم بزند. این کار حرام است و دلیل بر این تحریم، این اصل است که انسان مالک مطلق جسد خود نیست و جز در حدودی که شرع تعیین کرده است، حق تصرف در آن را ندارد. در نتیجه، به طریق اولی انسان حق تصرف در جسد دیگران را به هیچ صورتی ندارد (الاستنساخ الجینی، ص ۵۷). ایشان، آنگاه به آیه تغییر خلق و عهد شیطان اشاره کرده، نتیجه می‌گیرد که این آیه دلیل بر حرمت شبیه‌سازی انسانی و گویای عدم تسلط فرد بر جسم خویش است و مفسران همه فرق و مذاهب در تفسیر این آیه گفته‌اند که تغییر خلق شما، هرگونه تغییری است که موجب دگرگونی و تغییر خلقت شود؛ به گونه‌ای که با فطرت در جسد انسان سازگار نباشد و عملی که مغایر فطرت خداوند باشد، به معنای کفر است. وی همین دلایل و شکل استدلال را در مقاله خود پیش می‌کشد و دنبال می‌کند (الاستنساخ بین الاسلام و المسيحیه، ص ۱۳۱-۱۳۵). بدین ترتیب، چهارمین دیدگاه در میان شیعه، مخالفت با شبیه‌سازی انسانی و تحریم این کار به‌عنوان اولی آن است. استدلال به آیه تغییر خلق و استناد به اصل عدم ملکیت انسان بر جسد خویش و در نتیجه حاکمیت اصالة‌ال‌حظر در برابر اصالة‌الاباحه به معنای حرمت ذاتی و به‌عنوان اولی شبیه‌سازی انسانی است. از این رو نمی‌توان این دیدگاه را به دیدگاه سوم

تحویل برد و گفت که این نوع مخالفت نیز به‌عنوان حکم ثانوی است.

نتیجه‌گیری

عالمان شیعه در برابر شبیه‌سازی انسانی چهار موضع متفاوت اتخاذ کرده‌اند: برخی آن را مطلقاً جایز می‌دانند؛ حال آنکه برخی دیگر آن را تنها در سطح فردی و به گونه‌ای محدود مجاز می‌شمارند. گروه سوم آن را به‌عنوان اولی جایز دانسته، به دلیل مفاسدی که این کار در پی دارد، به‌عنوان ثانوی حرام می‌دانند. گروه چهارم اصل این عمل را به‌عنوان اولی حرام می‌شمارند و برای اثبات نظر خود به آیه تغییر خلق الله و عدم ملکیت انسان بر جسم خود استناد می‌کنند.

به نظر می‌رسد با استظهار از اصالة الاباحه در اصول فقه شیعی، حکم شبیه‌سازی را از جهت عناوین اولیه بتوان مشمول اباحه دانست؛ چون هیچ دلیلی از منابع اربعه احکام، مبنی بر حرمت شبیه‌سازی وجود ندارد و این نظر تقریباً با فتوای اکثر فقهای معاصر یکسان است. همچنین از جهت عنوان ثانوی می‌توان قائل به جواز شد، چون هیچ دلیل قانع‌کننده و اطمینان‌بخشی بر حرمت آن نمی‌توان یافت. بنابراین با توجه به پیشرفت فناوری و ابداعات علمی و با توجه به توسعه و تنوع نیازهای انسان در جامعه کنونی، پذیرش حکم اباحه با فروض مطرح‌شده در مسئله نشان از پویایی فقه سلامی در همه عصرها دارد.

منابع

الف) فارسی

- ۱- اسلامی، حسن (۱۳۸۴)، *تشییه‌سازی انسان از دیدگاه فقهای شیعه*، نشریه فقه، شماره ۴۴.
- ۲- _____، *تشییه‌سازی انسان از دیدگاه فقه اهل سنت*، مجله فقه، کاوشی نو در فقه اسلامی. شماره ۴۵.
- ۳- _____، *تشییه‌سازی در آئین کاتولیک*، مجله فلسفه و کلام (هفت آسمان)، شماره ۲۷.
- ۴- اصفهانی، کسرا (۱۳۸۴)، *افکار عمومی و واکنش‌های سیاسی- مذهبی و فرهنگی داخلی و جهانی به پیشرفت‌های بشر در همانندسازی انسان*، در (مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی اخلاق زیستی)، پژوهشگاه ملی مهندسی ژنتیک و زیست فناوری.
- ۵- الهی قمش‌ای، مهدی (۱۳۸۰)، *ترجمه قرآن کریم*، قم، انتشارات فاطمه الزهراء.
- ۶- جمعی از مؤلفان (بی‌تا)، *مجله فقه اهل بیت علیهم السلام*، مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- ۷- جواهری، حسن (۱۳۸۵)، *تقسیم جنینی و تشییه‌سازی*، فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی)، شماره ۴۷.
- ۸- خرمی، جواد (۱۳۸۲)، *تشییه‌سازی انسان*، پیامدها و عکس‌العمل‌ها، مجله فقه و اصول میلغان، شماره ۵۱.
- ۹- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۶)، *تحریر الوسیله*، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، قم ° ایران، ج ۴، ترجمه سید محمدباقر موسوی.
- ۱۰- دشتی، محمد (۱۳۸۹)، *نهج البلاغه ترجمه دشتی*، قم، ناشر: مشهور.
- ۱۱- سهرابی، مرجان و خوئینی، غفور (۱۳۸۶)، *بررسی تحلیلی شیعه نسبت به تشییه‌سازی*، فصلنامه حقوق پزشکی، شماره ۳.

- ۱۲- صادقی، محمود (۱۳۸۳)، همانندسازی انسان از نظر مراجع ادیان آسمانی و بررسی آن از نظر فقه اسلامی، اخلاق زیستی از منظر حقوقی، فلسفی و علمی، مجموعه مقالات چاپ اول، تهران، نشر مشترک سازمان سمت و دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۱۳- فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۵)، *زوایای پید و پنهان*، میزگردی در گفتگو با اندیشوران حوزه، کاوشی نو در فقه اسلامی.
- ۱۴- محمدی، زینب (۱۳۸۶)، *سلول‌های بنیادین، رهیافت‌های اجتماعی، فقهی و حقوقی*، فصلنامه حقوق پزشکی، سال اول، شماره ۳.
- ۱۵- مصباح، سیدحسین همایون (۱۳۸۵)، *شبیه‌سازی انسانی و چالش‌های دینی-فقهی*، مجله کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۴۷.
- ۱۶- مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۴۱۶ ق)، به قلم احمدقدسی، *انوار الاصول*، قم، انتشارات نسل جوان.
- ۱۷- مؤمن، محمد (۱۳۸۵)، *شبیه‌سازی، انواع و احکام آن*، کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۴۶.

ب) عربی

- ۱۸- *قرآن کریم*
- ۱۹- بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۶ ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناشر: بنیاد بعثت.
- ۲۰- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ ق.
- ۲۱- حرّانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ ق)، *تحف العقول*، چاپ دوم، جامعه مدرسین قم.
- ۲۲- سید رضی، محمدبن حسین موسوی، *نهج البلاغه*، مؤسسه نهج البلاغه، قم.
- ۲۳- شیرازی، سیدمحمد حسینی (بی‌تا)، *ایصال الطالب الی المکاسب*، تهران، ناشر: منشورات علمی.
- ۲۴- طباطبائی حکیم، سیدمحمد سعید (۱۹۹۹ م)، *فقه الاستنساخ البشري و فتاوی طیبیه*، [فاقد مشخصات ناشر و محل نشر].

۲۵- فضل الله، سید محمدحسین (۱۹۹۷ م)، وآخرون، الاستنساخ جدل العلم و الدين و الاخلاق، مجموعه من المؤلفين، دمشق، دارالفکر.

۲۶- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تهران، انتشارات اسلامیه.

۲۷- مرکز الدراسات و البحاث الاسلامیه ° المسيحيه (۱۹۹۹)، الاستنساخ بين الاسلام و المسيحيه، بيروت، دارالفکر اللبناني.

۲۸- موسوی سبزواری، سید علی (۱۴۲۳ ق)، الاستنساخ بين التقنيه و التشريع، بی جا، کوثر.

